

اطلاع رسانی

دانش آموزان ممتاز

فرشید نهاری افشرد
دوم ابتدایی
معدل کل ۲۰

شهرزاد شاسب
دوم راهنمایی
معدل کل ۱۹۷۵

کنجه شکبیا
دوم ابتدایی
معدل کل ۱۹۹۵

علی وهایی کیا
سوم ابتدایی
معدل کل ۲۰

هادی بابایی
معدل کل ۱۹۸۰

سویل اسماعیلی
دوم ابتدایی
معدل کل ۲۰

هما فولادوند
اول راهنمایی
معدل کل ۱۹۸۷

منیبا مستقیم محمدی
پیش دبستانی
عالی

امیر حسین صادق زاده
تربیتی
دوم ابتدایی
معدل کل ۲۰

فاطمه بقالی
مهگودک
عالی

سودندان مبارک

آغاز فصل مشترک زندگی، آغاز به راه افتادن است. در جاده‌ای که به سر منزل خوشبختی منتهی می‌شود. آغاز فصل سپید زندگی را به همکاران محترم اصغر مولاپور - سعید آقاگرمی - داد - عبدالله بهنام - علیرضا بخشایش خیابانی - مهدی رحیمی بوابیل - حسین سعیدزاد - میرکریم احسانی - محمدعلی نعمتی - حسین اشرفی - یوسف تقیان و نادر مجرد صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

یک صنعت تراکوبر

رفتن، آغاز زندگی در جوار رحمت بی‌انتهای حق و مرگ، حقیقت شیرین زندگی است. درگذشت عزیزان همکاران عزیزمان آقایان: جواد محمدزاده - اسماعیل محمدی - اقدم - حسین صاحبقران - مهدی داوری - علیرضا حسن زاده و جاوید شاسب را تسلیت می‌گوییم و نثار روح آنها فاتحه‌ای قرانت می‌کنیم.

یک صنعت تراکوبر



زن عاقل

زن عاقلی از میان کوه ها عبور می کرد که ناگهان در کنار نهر آبی یک جواهر گرانبه پیدا کرد. پس از طی مسافتی، با مرد گرسنه ای روبرو شد و کفش را باز کرد تا از غلای خود به مرد بدهد. مرد شاد چشمش به جواهر گرانبه افتاد. آن را از زن طلب کرد و زن بدون معطلی، جواهر را به او داد. مرد مرد به زن گفت: با این که می دانم این جواهر بسیار گرانبه است، اما آن را به تو پس می دهم تا در عوض، یک چیز با ارزش تر از آن به من بدهی. می خواهم بدانم درون تو چیست که به راحتی توانستی از این جواهر با ارزش بگذری؟



چوپان و مشاور

چوپانی مشغول چراندن گله گوسفندان خود در یک مرغزار دور افتاده بود که ناگهان سرب کله یک ائومیل جدید کروکی از میان گردوغبار جاده خاکی پیدا شد. راننده آن ائومیل که یک مرد جوان بود، سورش را از پنجره ائومیل بیرون آورد و پرسید: اگر من به تو بگویم که دقیقاً چند راس گوسفند داری، آیا یکی از آنها را به من می دهی؟

چوپان نگاهی به جوان تازه بدوران رسیده و نگاهی نیز به گله گوسفندانش که در آرامی در حال چریدن بود، انداخت و باوقار خاصی جواب مثبت داد. مرد جوان، ماشین خود را در گوشه ای پارک کرد و لب تاب خود را به سرعت بیرون آورد و بعد از وصل آن به یک تلفن راه دور، روی اینترنت وارد صفحه ناسا، جایی که می توانست سیستم جستجوی ماهواره ای چی پی اس را فعال کند، شد. منطقه چراگاه را مشخص کرد، سپس یک پلک اطلاعاتی با ۶۰ صفحه کار برگ اکسل را به وجود آورد و فرمول های پیچیده عملیاتی را وارد کامپیوتر نمود. در نهایت، ۵۰ صفحه اطلاعات خروجی سیستم را توسط یک چاپگر مینیاتوری همراهش چاپ کرد و در حالی که آن را به چوپان می داد، گفت: شما در این جا دقیقاً ۱۵۸۶ راس گوسفند داری.

چوپان گفت: درست است. حال همان طور که قبلاً توافق کردیم، می توانی یکی از گوسفندها را ببری. آنگاه به نظاره مرد جوان که مشغول انتخاب کردن و قرار دادن گوسفند در داخل ائومیلش بود، پرداخت. وقتی کار انتخاب آن مرد تمام شد، چوپان رویه او کرد و گفت: اگر من دقیقاً به تو بگویم که چه کاره هستی، گوسفند مرا پس خواهی داد؟

چوپان گفت: تو یک مشاور هستی. مرد جوان گفت: راست می گویی. اما به من بگو که این را از کجا حدس زدی؟

چوپان پاسخ داد: کار ساده ای است. اولاً بدون اینکه کسی از تو خواسته باشد، به اینجا آمدی. ثانیاً برای پاسخ دادن به سئوالی که خود من جواب آن را از قبل می دانستم، مرد خواستی و ثالثاً این که هیچ چیز رایج به کسب و کار من نمی دانی، چون بجای گوسفند، سگ مرا برداشتی.

تلخیص و بازنویسی: علیرضا رستمی

I asked God to take away my habit.
God said , no.
It is not for me to take away ,
but for you to give it up .

I asked God to grant me patience .
God said , no.
Patience is a byproduct of tribulation .
I granted, it is learned. It is

I asked God to give me happiness.
God said , no.
I give you blessings :
happiness is up to you .

I asked God to spare me pain
God said , no.
Suffering draws you apart from
worldly cares and brings you closer to me .

I asked God to make my spit grow .
God said , no.
You must grow on your own
But I will prune you to make you fruitful .

I asked God for all things that
I might enjoy life .

God said , no
I will give you life
so that you may enjoy all things .

I asked God to help me love others
as much as he loves me .
God said : ahh
Finally you have the idea .

از خدا خواستم تا عادت های زشت را ترک دهد.
خدا فرمود : خودت باید آنها را رها کنی.

از او خواستم به من صبر عطا کند
فرمود : صبر حاصل سختی و رنج است ،
عطا کردنی نیست آموختنی است .

گفتم مرا خوشبخت کن !
فرمود نعمت از من ، خوشبخت شدن از تو

از او خواستم مرا گرفتار درد و عذاب نکند!
فرمود : رنج از دلینگی های دنیا جدا و به من نزدیکتر می کند.

از او خواستم تا روحم را رشد دهد.
فرمود : تو خودت باید روح را رشد دهی.
من فقط شاخ و برگ اصابت را هرس می کنم تا بارورش.

از خدا خواستم تا کاری کند که از زندگی لذت ببرم.
خدا فرمود : اها
بالاخره اصل مطلب دستگیرت شد.

ترجمه : سعیده بساری

دبیرستان و پیش دانشگاهی غیرانتفاعی دخترانه عقیق ثبت نام شروع شد

تخفیف ویژه برای فرزندان محترم تراکتورسازی ایران (۲۰٪)
تخفیف ویژه برای فرزندان محترم فرهنگیان و دانش آموزان ممتاز (۲۵٪)
برگزاری آزمونهای کانون فرهنگی آموزش با مجوز رسمی از آموزش و پرورش
طرف قرارداد با خانه کارگر و کانون بانزشتستان (تخفیف ۲۵٪)
سرویس ایاب و ذهاب برای تمام نقاط شهر
استفاده از اساتید مجرب

حل جدول شماره ۱۲

جدول سودوکو - شماره ۱۳ (رمزدار)

طرح : علیرضا رستمی

واهنمای حل جدول سودوکوی رمزدار:

این جدول همان سودوکوی معمولی است با این تفاوت که علاوه بر ۹ ردیف افقی، ۹ ردیف عمودی و مربع های ۳×۳ قطری مورب جدول نیز که با تمام مشخص شده اند، اعداد ۱ تا ۹ را بدون تکرار در خود جای می دهند.

توضیح اینکه حل صحیح جدول در شماره آتی نشریه به چاپ خواهد رسید.

بازتاب

جرعه های ناب

زیبایی فقط در سطح پوست است ولی زشتی با اعصاب استخوان فرو می رود. مقدمه خدمت به خلق اله خلوت با خداوند است. هر کس این را نداند، به آن نمی رسد. عمل هر انسان، هموزن شخصیت اوست. حماقت یعنی کار واحدی را بارها و بارها انجام دادن و انتظار نتایج مختلف داشتن. نیمی از واقعیت، زشت تر از تمامی یک دروغ است. اگر افرایان روسا کوچکتر از معمول نباشد، مدیران خود را بزرگتر از معمول نمی نمایند. گفتار، آینه کردار است. اگر عشق به دربار ظلم رود، هوس می شود. انسان در ازدواج با میمیرد یا تولد می یابد. در غیر اینصورت ازدواج وقوع نیافته است. اگر ما آنچه باستانی بکنیم، می کردیم، به آنچه باید داشته باشیم، می رسیدیم.

اندیشه تجارت صنعتی

ادامه از صفحه اول

در واقع، ممکن است سطوح هزینه های تولید در یک کشور به طور کلی پایین تر از سایر کشورها باشد. به عقیده ریکاردو، اگر هزینه های نسبی در کشورهای مورد نظر متفاوت باشد، مبادله اصولاً ممکن و مفید خواهد بود و در صورتی که بین هزینه های نسبی تفاوتی وجود نداشته باشد، از مبادله نتیجه ای نخواهیم گرفت. (۳)

البته این رویکرد در عمل معنی و کارکرد متفاوتی یافت و با تلفیق اصل تخصص اصلی هزینه های نسبی، کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین به جای اینکه موقعیت مناسبی در این چهارچوب پیدا کنند، در اثر سیاست های استعماری و مکانیسم های کاملاً سیاسی، در دوره های بعدی صرفاً به عنوان تامین کنندگان عمده مواد اولیه صنایع پیشرفته کشورهای غربی تبدیل شدند. (۴)

ارزش های بین المللی

به اعتقاد جان استوارت میل، رابطه مبادله، نسبت قدرت خرید دو کالا و یا دو گروه کالاها و خدمات مورد مبادله بین دو کشور و یا دو گروه کشورهای آریان می کند و ارزش اضافی یا سودی را نشان می دهد که یک کشور از تجارت بین المللی حاصل می کند.

وجود همین ارزش اضافی یا به عقیده کلاسیک ها، نفع یا سود ناشی از رابطه مبادله است که مبادلات بین جامعه ها را ممکن و مفید می سازد و این مطلب، مفهوم نظریه ارزش های بین المللی جان استوارت میل را خلاصه می کند. (۵)

بنابراین، صاحبان و طرفداران این نظریه ها که لزوم آزادی و توسعه مبادلات بین المللی را توجیه و توصیه می کنند، عموماً معتقدند که مبادلات آزاد بین کشورهای مختلف، انتفاع بین المللی را خود به خود بدون نیاز به دخالت دولت ها، همواره به سوی تعادل سوق می دهد و این تعادل همیشه در زمان و مکان برقرار و شکل پایدار به خود می گیرد.

ادامه دارد

پیش نوشت:

۱- محمود منتظر ظهور، اقتصاد خرد و کلان، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۶۸) ص ۵۲۳-۵۲۴

۲- آن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، (تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۷) ص ۱۸۹-۱۸۸

۳- محمود منتظر ظهور، سابق، ص ۵۴۴

۴- برای نمونه جهت بررسی مقایسه ای: جلال آل احمد، غرب زدگی، (تهران: نشر ناعلم، ۱۳۳۱)

۵- آندرو گریفر، فرانک: جامعه شناسی توسعه و توسعه تاریکی جامعه شناسی، مؤسسه سنجابی، (تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۵۸)

۶- سعید احمد، نظریه های وابستگی، (تهران: انتشارات بهمن، تاریخ نشر نامعلوم)

۷- پل باران و دیگران، اقتصاد سیاسی توسعه یافته و رشد، فرهاد نعمانی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵)

۸- محمود منتظر ظهور، سابق، ص ۵۴۶